

مقدمه

از شروع حیات اقتصاد نوین، با انتشار کتاب مشهور بررسی درباره ماهیت و علل ثروت ملل آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶، بیش از ۲۰۰ سال می‌گذرد. علم اقتصاد در طول عمر ۲۰۰ ساله خود، شاهد تحولات، نظریه‌پردازی‌ها و مباحث جنجالی بسیاری بوده است. تضارب آرا، در حوزه این علم، مکاتب، شاخه‌ها و تخصص‌های فراوانی را به وجود آورده است. علاوه بر این، تحولات و پیشرفت‌های بشری در قرن اخیر، این علم را متحول کرده و بیش از پیش بر شاخه‌ها و فروع این علم افزوده است. همچنین درهم تنیدگی علم اقتصاد با زندگی روزمره و همچنین برنامه‌ریزی‌های کلان کشورها و اصول مدیریت و کشورداری موجب شده است همچنان تنور مباحث فلسفی و نظری در این حوزه داغ بماند.

سابقه طولانی و گستردگی موضوعی و همچنین قلمرو وسیع علم اقتصاد، موجب گردیده است تقسیم‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های متنوعی در این علم برای موضوعات و مسائل گوناگون به وجود آید. وسعت ترکیب‌های حاصل از طبقه‌بندی‌ها به قدری زیاد است که تشخیص جایگاه و مفهوم آنها در پارادایم و علم اقتصاد، حتی برای دانشجویان اقتصاد هم سخت جلوه می‌نماید. اصطلاحاتی همچون «اقتصاد سرمایه‌داری»، «اقتصاد کمونیستی»، «اقتصاد آزاد»، «اقتصاد باز»، «اقتصاد انرژی»، «اقتصاد ورزش»، «اقتصاد مدیریت»، «اقتصاد مالی»، و «اقتصاد اسلامی» در محافل علمی و اجتماعی مطرح هستند. در هریک از این اصطلاحات، حیثیت و جهت خاصی از «اقتصاد» مطمع نظر بوده است. برخی بر حوزه کاربردی خاصی تأکید دارند و برخی نگرش و مکتب فکری و فلسفی خاصی را مد نظر دارند. برخی نیز نوعی راهبرد اقتصادی هستند. از این رو، حیثیت مورد نظر برای تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی بر روی معنای و مفهوم اصطلاحات و مفاهیم تأثیرگذار بوده و قلمرو نظری آن را تعریف می‌کند. روشن است تقسیم‌بندی با نگاه به نظام اقتصادی، بسیار متفاوت از تقسیم‌بندی بر اساس موضوع است و نتیجه آن دو فضای کاملاً متفاوت نظری خواهد بود.

برای تدقیق مفهوم «اقتصاد مقاومتی»، بررسی این نکته که این اصطلاح چه جنبه و حیثیتی از حوزه وسیع اقتصاد را هدف قرار داده است، می‌تواند بسیار راهگشا باشد. اولین قدم در عملیاتی نمودن یک مفهوم، شناسایی آن است. پرواضح است که جایگاه اقتصاد مقاومتی به عنوان یک نظام اقتصادی، کاملاً متفاوت از یک حوزه کاربردی یا یک راهبرد اقتصادی خاص یا حتی یک مکتب اقتصادی است.

این تحقیق کوشیده است با بیان تقسیم‌بندی‌های رایج در علم اقتصاد، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را از طریق تعیین جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد، با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان سخنان مقام معظم رهبری و تحلیل منطقی روشن‌تر نماید. با عنایت به اینکه حیثیت‌های متنوعی برای تقسیم‌بندی در علم اقتصاد

مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی

seiflou@isu.ac.ir

سجاد سیفلو / دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین المللی نفت و گاز، دانشگاه امام صادق

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۸

چکیده

اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ به ادبیات اقتصادی کشور وارد شده است. هرچند ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در اواخر سال ۱۳۹۲ و سخنرانی‌های بعدی مقام معظم رهبری این مفهوم را روشن‌تر کرد، ولی هنوز چارچوب مدونی برای تفسیر «اقتصاد مقاومتی» ارائه نشده است. این مقاله کوشیده است با بیان تقسیم‌بندی‌های رایج در علم اقتصاد، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را از طریق تعیین جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان سخنان مقام معظم رهبری و تحلیل منطقی روشن‌تر نماید. با عنایت به اینکه حیثیت‌های متنوعی به‌منظور تقسیم‌بندی در علم اقتصاد به کار گرفته شده، تنها به آن دسته‌بندی‌ها و تقسیم‌بندی‌هایی توجه گردیده است که همخوانی بیشتری با تبادر اولیه مفهوم اقتصاد مقاومتی دارند. بنابه فرضیه مقاله، اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی متناظر با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» در ادبیات متعارف است که به «مقاوم سازی» فعالانه اقتصاد توجه دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی بهترین تفسیر را در قالب یک راهبرد اقتصادی به خود می‌گیرد؛ راهبردی که مقطعی و منفعلانه نیست.

کلید واژه‌ها: اقتصاد، مقاومتی، آسیب، تاب‌آوری، رهبری.

طبقه‌بندی JEL: O1, O10, O5, P4

به کار گرفته شده، تنها آن دسته‌بندی‌ها و تقسیم‌بندی‌هایی مدنظر قرار گرفته است که همخوانی بیشتری با تبادر اولیه مفهوم «اقتصاد مقاومتی» دارد.

فرضیه تحقیق این است که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی است که به مفهوم «مقاوم سازی» به معنای فعالانه آن است که با مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» در ادبیات بین‌المللی، تناظر و نزدیکی بسیاری دارد.

روش تحقیق

روش این تحقیق «تحلیل محتوا» است. «تحلیل محتوا» از فنون مربوط به روش اسنادی در پژوهش علوم اجتماعی است. روش «اسنادی» به تمام راه‌کارهایی گفته می‌شود که در آنها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون برآورده می‌شود.

در یکی از جدیدترین تقسیم‌های تحلیل محتوا، دوگونه «کمی» و «کیفی» ذکر می‌شود. روش «کیفی» تحلیل محتوا، که به «استنباط نتایج بر اساس بودن یا نبودن ویژگی‌هایی در پیام» تعریف شده است، غالباً در علوم اجتماعی - کاربردی توجه می‌شود. حامیان فنون کیفی در این فرض تردید کرده‌اند که فراوانی شاخص‌ها لزوماً نشانه اهمیت آنهاست. از نظر این گروه، ممکن است وجود یا حذف صنعتی واحد در اسناد، از فراوانی نسبی خصوصیات دیگر اهمیت بیشتری داشته باشد (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۲۲). موضوع تحلیل محتوای کیفی می‌تواند تمامی انواع ارتباط ثبت شده در دست‌نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، گفت‌وگوها، قواعد مشاهدات، نوارهای ویدئو، مستندات و مانند آنها باشد.

هیژمن هشت نوع تحلیل محتوا را شناسایی کرده و توضیح داده، که عبارت است: تحلیل معانی بیان، تحلیل اسطوره و روایت، تحلیل گفتمان، تحلیل ساختاری یا نشانه‌شناختی، تحلیل تفسیری، تحلیل محاوره، تحلیل انتقادی و تحلیل نرم‌تیبو.

پس از انتشار آثار زلیک هریس در اواخر دهه ۵۰ و به ویژه وان دایک در اوایل دهه ۷۰ «تحلیل گفتمان» به عنوان شیوه‌ای مقبول و مشهور در مطالعات ارتباطی و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای مطرح شد.

تحلیل گفتمان

«تحلیل گفتمان»، که در زبان فارسی به «سخن‌کاو»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، به سبب بین رشته‌ای بودن، خیلی زود به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مقبول واقع شد.

در باره «تحلیل گفتمان» تعاریف گوناگونی وجود دارد. یول و براون در کتاب تحلیل انتقادی گفتمان، آن را این گونه تعریف کرده‌اند: تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد است. در این صورت، نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹). همچنین شیفرین و استابز گفته‌اند: تحلیل گفتمان می‌کوشد تا نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی را مطالعه کند و بنابراین، واحدهای زبانی نظیر تبادلات مکالمه‌ای یا متون نوشتاری را بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۹).

تحلیل گفتمان می‌تواند در خصوص هر زمینه‌ای و یا در خصوص هر مشکل و یا موقعیتی به کار گرفته شود؛ زیرا تحلیل گفتمان اساساً یک خوانش تفسیری و ساختاری است. پس، از هیچ رهنمود ویژه‌ای پی‌روی نمی‌کند (در واقع، راهنمایی دقیق و خاصی برای این روش وجود ندارد). روایی و پایایی یک تحقیق و یافته‌های آن وابسته به بحث‌های منطقی است که وجود دارد. اعتبار تحلیل گفتمان به کیفیت قدرت نطق و بیان وابسته است.

پیشینه تحقیق

به سبب جدید بودن موضوع تحقیق و همچنین داخلی بودن موضوع «اقتصاد مقاومتی»، تحقیق‌های صورت گرفته در خصوص این موضوع، همگی داخلی و انگشت‌شمار است. البته برخی اظهار نظرها، یادداشت‌ها، و سخنرانی‌ها نیز در این زمینه منتشر شده است.

سیف (۱۳۹۱) در مقاله خود، با استفاده از اصطلاح «فنزیت اقتصادی» برگرفته از بریگ‌گلیو (۲۰۰۶)، به تبیین مفهوم «اقتصاد مقاومتی» و ارائه الگو برای اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. به اعتقاد وی، در موضوع اقتصاد مقاومتی، تعبیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. تعبیری که معنای اصطلاحی - (و نه لغوی) - آن را به تعریف مقام معظم رهبری نزدیک می‌کند «فنزیت اقتصادی» است. در این مقاله، ریسک تخریب اقتصاد ملی و نیز اقدامات رفتاری کشورها در این زمینه موضوع بحث قرار گرفته و محورهای چهارگانه فنزیت اقتصادی بیان شده است. در بخش دیگر مقاله، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» جمهوری اسلامی ایران با توجه به سخنان مقام معظم رهبری تشریح شده و مبتنی بر این بیانات، الگویی برای اقتصاد مقاومتی جمهوری ایران شامل مؤلفه‌های رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنزیت اقتصادی

پیشنهاد شده است. همچنین در این تحقیق، راهبردهای چهارگانه مقابله، خنثا سازی، جذب و ترمیم، و پخش و تضعیف منطبق بر مسئله تحریم اقتصادی غرب تشریح و مصادیق آنها معرفی شده است. میرمعزی (۱۳۹۱) در مقاله خود، با استناد به سخنان مقام معظم رهبری و مطالبی که ایشان از سال ۱۳۸۸ در باره اقتصاد بیان کرده‌اند، در صدد ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی برآمده است. به نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن، که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید می‌آید. در نظام اقتصادی اسلام، در این وضعیت، با تغییر در اولویت هدف‌ها و به تبع آن، در اصول راهبردی و سیاست‌های کلان و حاکمیت روحیه جهاد بر رفتارهای اقتصادی دولت و مردم، راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده، موجب رشد جهشی می‌شود.

در تحقیقی دیگر تراب زاده جهرمی و همکاران (۱۳۹۲)، با روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، سخنان مقام معظم رهبری را تحلیل نموده و الگوی مفهومی سخنان ایشان درباره ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی استخراج نموده‌اند. این تحقیق محتوای مناسبی از سخنان رهبری معظم انقلاب فراهم نموده است که می‌توان در تحقیق حاضر نیز از آن استفاده کرد.

حسین زاده بحرینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای پس از طرح چند مقدمه، به تبیین مفهوم «اقتصاد مقاومتی» پرداخته است. ایشان معتقد است: «اگر بخواهم تعریفی آکادمیک از واژه «اقتصاد مقاومتی» داشته باشم، بدون اینکه بخواهم آن را به رهبری منتسب کنم، عرض می‌کنم که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، مدیریتی راهبردی و همه‌جانبه نگر است».

سیفیلو (۱۳۹۳) در مقاله خود، با توسعه مفهومی مفاهیم «دفاع، دفاع غیر عامل، جنگ، و جنگ اقتصادی»، اقتصاد مقاومتی را به عنوان راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی تبیین و تشریح کرده است. عمده‌ترین نوآوری این تحقیق به توسعه مفهومی «جنگ، آسیب، دفاع و دفاع غیر عامل» و استفاده از آنها به منظور فراهم کردن یک چارچوب نظری و تحلیلی مناسب برای موضوعات اقتصادی و ارائه طریقی برای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی مربوط است. مفهوم «جنگ» به بسیاری از حوزه‌های فنی و حتی علوم انسانی توسعه داده شده است و این توسعه مفهومی در بسیاری از حوزه‌ها، کاربرد نوی نیست و اصطلاحاتی همچون «جنگ نرم»، «جنگ سایبری»، «شبیخون و تهاجم فرهنگی» و مانند آن را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از گسترش مفهومی «جنگ» دانست. از این رو، به کار بردن اصطلاح «جنگ» در خارج از مفهوم صرف نظامی آن، پدیده رایجی است که نشان از تقابل در عرصه‌های استفاده شده دارد. در این مقاله، پس از اینکه «جنگ» از مفهوم صرف نظامی خارج شده و به «جنگ اقتصادی» نیز

تعمیم یافته است، به گونه‌ای مشابه، «دفاع» نیز به همین نحو توسعه داده شده و دو نوع «دفاع مسلحانه» و «دفاع غیر مسلحانه» و در این بخش، «دفاع غیر عامل» تبیین شده است. از رهگذر تشریح این مسئله، این نتیجه حاصل شده است که بجز «دفاع عامل»، که مفهومی نظامی دارد، هر نوع اقدام پیش‌گیرانه‌ای را می‌توان به «دفاع غیر عامل» تعبیر کرد، در این راستا، هر اقدام پیش‌گیرانه کاهش آسیب‌پذیری از مصادیق «دفاع غیر عامل» است، از این رو، اقتصاد مقاومتی را می‌توان «دفاع غیر عامل اقتصادی» تعریف کرد. در این مقاله تلاش شده تا با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌های قبلی، تحلیل عمیق‌تری از مفهوم اقتصاد مقاومتی در چارچوب گفتمان مقام معظم رهبری ارائه شود.

مفهوم‌شناسی «اقتصاد»

«اقتصاد در فارسی، به معنای میانه‌روی و متعادل بودن دخل و خرج» است و در اصطلاح، تعریف عموماً پذیرفته شده‌ای در میان اقتصاددانان از آن وجود ندارد؛ زیرا تعاریف داده شده در درجه نخست، از جامعیت لازم برخوردار نیست و در ثانی، با مسلم فرض کردن موضوعات، این تعاریف به دور باطلی از تعاریف جدید کشیده می‌شود. تعاریف ذیل از «علم اقتصاد» بیشتر رایج است:

«اقتصاد علمی است که رفتار انسان‌ها را به صورت رابطه‌ای میان خواسته‌ها و منابع کمیاب با کاربردهای مختلف مطالعه می‌کند».

«علم اقتصاد عبارت است از: مطالعه اینکه جوامع چگونه تصمیم می‌گیرند که با استفاده از منابع محدود و کمیاب، چه کالایی با چه روشی و برای چه کسی تولید شود».

«اقتصاد علمی است که چگونگی تصمیم‌گیری جامعه درباره تخصیص منابع کمیاب برای تولید کالا و خدمات جهت ارضای خواسته‌های نامحدود را بررسی می‌کند».

«اقتصاد عبارت است از: شناخت، ارزیابی و انتخاب روش‌هایی که بشر برای تولید و توزیع کالا و خدمات از منابع محدود به منظور مصرف به کار می‌برد» (علوی، بی‌تا، ص ۳)

موضوع و هدف این علم نیز به تبع تعاریف، محل اختلاف شدید است و شاید یک علت گستردگی شاخه‌ها و طبقه‌بندی‌ها همین باشد. اقتصاد خرد و اقتصاد کلان، اقتصاد سرمایه‌داری (کاپیتالیستی) و اقتصاد سوسیالیستی (کمونیستی)، اقتصاد اثباتی و اقتصاد هنجاری، اقتصاد نظری و اقتصاد کاربردی، اقتصاد جریان رایج (ارتدوکس) و اقتصاد دیگر اندیش (هترودوکس)، اقتصاد باز و اقتصاد بسته، اقتصاد توسعه و اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد انرژی، اقتصاد ورزش، اقتصاد هنر، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد صنعتی، اقتصاد بهداشت، اقتصاد اطلاعات و... تنها بخشی از این تنوع و گستردگی

هستند. اینکه اقتصاد مقاومتی در کدام یک از دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌ها مزبور قرار می‌گیرد، در مسیر مفهوم‌شناسی و نظریه‌پردازی می‌تواند راهگشا باشد. در ادامه، با استفاده از محتوای سخنان مقام معظم رهبری، به مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی خواهیم پرداخت و جایگاه مفهوم اقتصاد مقاومتی را در تنه گسترده درخت اقتصاد مشخص خواهیم نمود.

اقتصاد مقاومتی به مثابه یک نظام اقتصادی

هر نظام اقتصادی همواره در مجموعه‌ای از اصولی تجسم می‌یابد که زیربنای چارچوب خاص تنظیم فعالیت اقتصادی است. از یک سو، این مجموعه از اصول بر بینش فلسفی ویژه‌ای درباره فعالیت اقتصادی مبتنی است، و از سوی دیگر، تعامل این اصول چارچوب فعالیت اقتصادی را تشکیل داده، آن را به مسیر مطلوب این نظام هدایت می‌کند. بدین روی، در هر نظام اقتصادی، سه جزء وجود دارد: فلسفه اقتصادی، مجموعه اصول، و روش تحلیل عمل که متغیرهای اقتصادی را تعیین می‌کند.

فلسفه اقتصادی اساس فکری نظام را فراهم می‌کند؛ زیرا آرا آن نظام را درباره تولید، توزیع و مصرف در برمی‌گیرد و اصول و قواعد کارکرد آن نظام را در قالب نظریات معینی سامان می‌دهد. این فلسفه اقتصادی براساس موضع مذهبی، در برابر حیات، انسان و خداوند، نقش خود را ایفا می‌کند.

عنصر دوم هر نظام اقتصادی در مجموعه‌ای از قواعد و تنظیم‌ها و نهادهایی ظاهر می‌شود که چارچوب اجتماعی و قانونی و رفتاری نظام را پدید می‌آورند. این عنصر شامل اموری از این قبیل می‌شود: تنظیم ملکیت و تملک ابزار تولید به وسیله افراد به صورت مستقیم و به وسیله عموم مردم به صورت مجموعی یا به وسیله دولت به سبب حاکمیتش؛ مقرراتی که برای رفتار فرد وضع شده است و حدود مجاز برای کالاها و خدماتی که امکان دستیابی به آنها وجود دارد؛ و شکل‌ها و حدود معاملات اقتصادی که مردم می‌توانند انجام دهند. این مجموعه از قواعد، معیارهای رفتاری افرادی را که تصمیم‌های اقتصادی می‌گیرند - یعنی: تولیدکننده و مصرف‌کننده - نیز شامل می‌شود.

عنصر سوم نظام اقتصادی، «روش عمل» آن است. روش عمل هر نظام بر بنیان آن نظام مبتنی است، و بنیان نظام نیز به وسیله اصول و قواعد اساسی ویژه آن نظام شکل می‌گیرد. در هر نظام، مجموعه‌ای از قواعد وجود دارد که پی‌روی از آنها برای تضمین سیر عمل آن نظام لازم است.

برخی معتقدند: اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است، که در این صورت، هم‌ارز اقتصاد سرمایه‌داری، اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. روشن است که چنین تعبیری به سبب هم‌ارزی اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی صحیح نیست. ولی می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که

اقتصاد مقاومتی مترادف اقتصاد اسلامی است، و به عبارت بهتر، نظام اقتصاد اسلامی همان نظام اقتصاد مقاومتی است.

میرمعزی (۱۳۹۱) این فرضیه را با بیان ذیل مردود می‌داند:

اگر مقصود وی (مقام معظم رهبری) از اقتصاد مقاومتی همان نظام اقتصادی اسلام بود، وجهی نداشت که به جای تأکید بر تحقق نظام اقتصادی اسلام و بیان ویژگی‌های آن، از اصطلاح اقتصاد مقاومتی استفاده کرده و بر تحقق آن تأکید کند»

وی در ادامه، در خصوص اقتصاد مقاومتی چنین اظهار نظر می‌کند: «در نتیجه، اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت تهدید و فشار اقتصادی دشمن پدید می‌آید.» (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۹).

استدلال یاد شده برای اینکه اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری لزوماً باید در ظرف اقتصاد اسلامی تفسیر شود، این است که مقام معظم رهبری در سخنان متعددی بر ضرورت در نظر گرفتن مبانی، ارزش‌ها و دستوره‌های اسلامی در علوم انسانی و از جمله علم اقتصاد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأکید کرده‌اند (میرمعزی، ۱۳۹۱، ص ۹).

در نقد این نظر، اولاً باید اشاره کرد که نظام اقتصاد اسلامی به علل گوناگون تاریخی، نظام تازه تأسیسی است و تاکنون نتوانسته است به صورت عملی ظهور و بروز نموده، به صورت یک نظام حاکم رفتار نماید. حتی با نادیده گرفتن دیدگاه‌های رقیب در این خصوص، که معتقدند: چنین نظامی وجود ندارد، این نظام همچنان دوران تکوین و نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی خود را طی می‌کند و دست‌کم تاکنون مجال ظهور عملی پیدا نکرده است. از این رو، چگونه می‌توان گفت آنچه خود هنوز کاملاً مشخص نشده و هنوز در کش و قوس اثبات و ثبوت است، شکل خاصی از آن مطمع نظر است که قرار است به بیان مقام معظم رهبری، سامان‌بخش اقتصادی کشور و انقلابی به این عظمت در حال و آینده باشد؟ ثانیاً، آیا اگر این نظریه توسط شخص یا گروهی غیر از مقام معظم رهبری ارائه می‌شد آنگاه همچنان شکل خاصی از نظام اقتصاد اسلام بود؟ ثالثاً، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی که تاکنون توسط مقام معظم رهبری برای اقتصاد مقاومتی مطرح شده هرگز مشابه عناصر و کارکردهای نظام اقتصادی نیست. هر نظام اقتصادی شامل سه جزو فلسفه اقتصادی، مجموعه اصول، و روش تحلیل عمل است که در سیاست‌های ابلاغی و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مشاهده نمی‌شود.

البته پرواضح است که نظام اقتصاد اسلامی بهترین ظرف برای اجرای اقتصاد مقاومتی برای جمهوری اسلامی ایران است، ولی نمی‌توان اجرا و عملیاتی شدن اقتصاد اسلامی را فقط در این ظرف

مقدور دانست و با این استدلال تا زمان پیاده‌سازی و به عبارت بهتر، استخراج و مدون شدن نظام اقتصاد اسلامی، اجرا و تحقق‌بخشی اقتصاد مقاومتی را به تعویق انداخت. علاوه بر آن، هیچ‌یک از سخنان مقام معظم رهبری حاکی از این نیست که اقتصاد مقاومتی مترادف نظام اقتصاد اسلامی یا شکل خاصی از آن است، و یا اینکه برای اجرای اقتصاد مقاومتی، مظروفی جز نظام اقتصاد اسلامی وجود ندارد؛ چه اینکه خلاف آن نیز از بیانات معظم‌له مستفاد است. برای نمونه:

گرایش به اقتصاد مقاومتی، مخصوص ما هم نیست. امروز در بسیاری از کشورها - بخصوص در این سال‌های اخیر - با تکان‌های شدید اقتصادی، که در دنیا به‌وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاومت‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند. البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است. طبعاً کشورها از این مشکلات کم‌وبیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین، خیلی از کشورها درصدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاومت‌سازی کنند؛ به تعبیری، همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

شاید بهترین تفسیر، بی‌طرفی و خنثا بودن اقتصاد مقاومتی نسبت به ظرف اجرایی آن است. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی منحصر نظام اقتصادی خاصی نیست.

اقتصاد مقاومتی به مفهوم حوزه موضوعی خاص

عده‌ای اقتصاد مقاومتی را به «اقتصاد تحریم» تعبیر می‌کنند و از این رو، آن را هم‌تراز اقتصاد انرژی، اقتصاد ورزش، اقتصاد سلامت، اقتصاد نیروی کار و مانند آن قرار می‌دهند. در این تعبیر از اقتصاد مقاومتی، مسئله تحریم به عنوان یک موضوع حساس و مهم، طلب می‌کند که تحت عنوانی مستقل، به صورت کارشناسانه بررسی شود و موضوعات خاصی که در آن مطرح است؟؟؟ نظر قرار گیرد. برای نمونه، تراب‌زاده جهرمی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود، در خصوص «اقتصاد مقاومتی» آورده‌اند:

اقتصاد مقاومتی بنیان نظری برای مدل‌سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها، بیش از پیش آماده ساخته است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و ... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش‌فرض طراحی می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دایمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود» (تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

اگرچه وجود این حوزه موضوعی از اقتصاد منافاتی با واقعیت ندارد، ولی نمی‌توان اقتصاد مقاومتی را

صرفاً یک سازوکار مقابله با تحریم دانست و آن را منحصر در این موضوع کرد. هرچند اقتصاد مقاومتی در فضایی مطرح شد که دشمن اقتصادی، استکبار جهانی، به دنبال سلطه بر جمهوری اسلامی ایران بود و این همزمانی شاید عمده‌ترین دلیل برای تبادر چنین مفهومی باشد، ولی سخنان مقام معظم رهبری در این خصوص کاملاً روشن و صریح است:

خب، سؤال این است که آیا مطرح کردن «اقتصاد مقاومتی» در شرایط کنونی، به معنای این است که ما یک حرکت مقطعی می‌خواهیم انجام بدهیم؟ چون حالا کشور دچار تحریم و دچار فشار و دچار جنگ اقتصادی است. همچنان که - مثلاً - هیأت‌های فکر و عمل برای مقابله با جنگ اقتصادی تشکیل می‌شود، این سیاست‌ها را برای این ابلاغ کرده‌ایم؟ جواب این است که نه، به‌هیچ‌وجه این‌جوری نیست؛ این سیاست‌ها، سیاست‌های بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاست‌های بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

همان‌گونه که بیان مقام معظم رهبری نشان می‌دهد، منافاتی ندارد اقتصاد تحریم هم بخشی از اقتصاد مقاومتی باشد، ولی تمام اقتصاد مقاومتی اقتصاد تحریم نیست. در واقع، اقتصاد مقاومتی می‌تواند راه حلی برای مقابله و خروج از تحریم‌های اقتصادی باشد، ولی صرفاً در این موضوع محدود نیست و فراتر از اقتصاد تحریم است. موضوع اقتصاد مقاومتی صرفاً این نیست که کشور چگونه و با چه ابزارهایی از شرایط تحریم خارج شود، یا چگونه با آن مقابله نماید و یا در حالت تخاصمی، چگونه از ابزارهای اقتصادی علیه دشمن استفاده کند. حل و رفع تحریم‌ها یکی از کارکردهای اقتصاد مقاومتی است.

اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی

اقتصاد مقاومتی در اولین روزهای معرفی، بیشتر به صورت «مقاومت اقتصادی» معرفی می‌شد. در ادبیات اقتصادی، «اقتصاد پایدار» به اقتصادهایی اشاره دارد که در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلاتی مانند جنگ، تحریم و محاصره هستند. از این رو، غزه و ایران را به عنوان نمونه‌هایی از این نوع اقتصادها برمی‌شمارند. البته از این برداشت در زمان جنگ تحمیلی با قوت بیشتری در خصوص ایران استفاده می‌شد. تعبیر بسیار زیبا و صریحی که مقام معظم رهبری در رد این برداشت از اقتصاد مقاومتی به کار بردند این گونه است:

«یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که بشکعب ابی‌طالب و محاصره اقتصادی مسلمان‌ها، آنها را از پا بیندازند، اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال می‌کنند ما امروز در

شرایط شعب ابی طالبیم. اینجور نیست. ما امروز در شرایط شعب ابی طالب نیستیم، ما در شرایط بدر و خیبریم. ما در شرایطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آنها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰).

علاوه بر این رد صریح، با نگاهی به ویژگی‌ها و مؤلفه‌های ده‌گانه اقتصاد مقاومتی می‌توان به راحتی قضاوت کرد که هرگز اقتصاد مقاومتی راهبرد مقاومت اقتصادی نیست. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اقتصادی و مقاومتی عبارت است از:

۱. ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی؛

۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا؛

۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی؛

۴. رویکرد جهادی؛

۵. مردم‌محوری؛

۶. تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی؛

۷. کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت؛

۸. اصلاح الگوی مصرف؛

۹. فساد ستیزی؛

۱۰. دانش‌محوری.

می‌توان به راحتی قضاوت کرد که هرگز اقتصاد مقاومتی راهبرد مقاومت اقتصادی نیست.

تعبیر دیگر نزدیک به «مقاومت اقتصادی» که در خصوص اقتصاد مقاومتی به کار می‌رود، «راهبرد اقتصاد ریاضتی» است. «اقتصاد ریاضتی» نوعی سیاست‌گذاری راهبردی است که در جهت کاهش فشار هزینه‌ای بر اقتصاد توسط برخی کشورها مانند یونان اتخاذ شده و اصلی‌ترین عنصر آن کاهش هزینه‌های عمومی و رفاهی به منظور کاستن از هزینه‌های دولت است. اتخاذ این راهبرد در اقتصاد کشورهای اروپایی اعتراض‌های مردمی را در پی داشت؛ چراکه فشار اصلی هزینه بر اثر کاستن از هزینه‌های تأمین اجتماعی، بر دوش مردم قرار می‌گیرد.

علاوه بر اینکه چنین تعبیر و تفسیری از اقتصاد مقاومتی، که نمود بیرونی در برخی از کشورهای غربی نیز داشته، همخوان با سیاست‌ها و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیست، با وجود تعبیر ذیل از مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی هرگز پذیرفته نیست:

ما به مردم نمی‌گوییم که ریاضت بکشند؛ این جور گاهی بعضی القا می‌کنند. بعد از آنکه سیاست‌های

اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد، هنوز مرکب آن خشک نشده، یک عده‌ای شروع کردند که «اینها دارند مردم را به ریاضت دعوت می‌کنند.» نه، به هیچ وجه این جور نیست، بلکه بعکس است. ما معتقدیم که اگر این سیاست‌ها اعمال بشود، وضع مردم بهتر خواهد شد، طبقات ضعیف گشایش پیدا خواهند کرد. در کشوری که تورم در حد مطلوب باشد، اشتغال در حد مطلوب باشد، آنجا عموم مردم در راحتی و آسایش و رفاه زندگی خواهند کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

تفسیر دیگری که از اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد اقتصادی صورت می‌گیرد، تعبیر «اقتصاد درونگرا» یا «اقتصاد بسته» است. دعوت به تکیه بر ظرفیت‌های داخلی که به عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده، هرگز به معنای غافل ماندن از تعامل با دنیا و اقتصاد جهانی نیست، بلکه تأکیدی است بر داشته‌ها و ظرفیت‌های داخلی که مبادا از آنها غفلت شود. ایشان علت و انگیزه ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را چنین بیان می‌کنند:

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخایر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخوردار از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، که همان «اقتصاد مقاومتی» است، پی‌روی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را، که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وامی‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور، در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد (همان، ۱۳۹۲).

ظرفیت‌های کشور خیلی وسیع است. خیلی از ماها آگاه نیستیم به گستره این ظرفیت‌های عجیب، یا به اهمیت آن توجه نداریم. می‌دانیم؛ آمارها دستمان هم هست [توجه نمی‌کنیم] بعضی از مسئولین این‌جورند، آمارها را دارند، [اما] اهمیت آمارها مورد توجه آنها قرار نمی‌گیرد (همان).

این تعبیر به وضوح نشان‌دهنده تأکید و به غفلت نسپردن ظرفیت‌های داخلی است و به هیچ وجه، انحصار در داخل، توجه نکردن به تعاملات بین‌المللی و اقتصاد جهانی را نشان نمی‌دهد. علاوه بر این، مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در آغاز اولین روز سال ۱۳۹۳ در صحن مطهر رضوی، با عنایت به القائات خاص در این خصوص، این تعبیر را تعبیر کژتابی از اقتصاد مقاومتی دانستند:

گفتیم این اقتصاد درون‌زاست. «درون‌زاست» یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد. رشد این نهال و این درخت متکی است به امکانات کشور خودمان. «درون‌زا» به این

معناست. اما در عین حال، درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه، درون‌زاست، اما برون‌گراست؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین، درون‌زاست، اما درون‌گرا نیست. این‌ها را که عرض می‌کنم، برای خاطر این است که در همین زمینه‌ها، الآن قلم‌ها و زبان‌ها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، این‌ها می‌خواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل‌ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه - که راه سعادت است - جدا بکنند؛ دارند می‌کنند. (همان، ۱۳۹۳).

آخرین تعبیر از «اقتصاد مقاومتی»، «مقاوم‌سازی اقتصادی» است. سیفیلو (۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی را مترادف «مقاوم‌سازی اقتصادی» می‌داند که نتیجه آن قوت و استحکام اقتصادی و مصون ماندن از تکانه‌ها و تهاجم‌های اقتصادی خواهد بود. هرچند تعبیر «مقاوم‌سازی اقتصادی» نافی اقتصاد مقاومتی نیست و به صراحت، در بیانات مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره شده است، ولی دست‌کم با این شبهه مواجه است که «مقاوم‌سازی» تمام اقتصاد مقاومتی نیست و مفهوم «اقتصاد مقاومتی» فراتر از مقاوم‌سازی اقتصادی است. مقاوم‌سازی اقتصادی برای مصون ماندن از تکانه‌ها و تهاجم‌های اقتصادی هرچند نگرشی فراتر از اقتصاد تحریم است و می‌تواند مستمر و راهبردی باشد، ولی با عنایت به مؤلفه‌های ده‌گانه و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، می‌تواند تنها بخشی از اقتصاد مقاومتی باشد. هرچند می‌توان تأکید ویژه بر روی این بخش از اقتصاد مقاومتی را پذیرفت، ولی نمی‌توان تمام اقتصاد مقاومتی را در مقاوم‌سازی خلاصه نمود که با هدف مواجهه با تکانه‌ها و تهاجم‌های اقتصادی طراحی شده است.

با تدقیق بیشتر و توسعه مفهوم «مقاوم‌سازی اقتصادی»، می‌توان تعبیر و مفهوم روشن‌تر و جامع‌تری از اقتصاد مقاومتی ارائه نمود. اگر فرض شود مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم متبادر انفعالی خود خارج می‌شود و ابعاد فعالانه نیز به خود می‌بگیرد، دیگر تعبیر اقتصاد مقاومتی به مقاوم‌سازی اقتصادی صرفاً به معنای «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی»، «پدافندشناسی» و «مقاومت» نیست و می‌تواند ابعادی همچون اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز شامل شود. روشن است که مقاوم‌سازی اقتصادی و به‌ویژه با عنایت به کشورهای پیشرفته‌تر اقتصادی، تاب تحمل این توسعه مفهومی را دارد. کشوری که ظرفیت و توان داخلی خود را به کار گرفته و به صورت درون‌زا توسعه خود را تعریف نموده است و همواره در تعامل با دنیا و سایر کشورها به دنبال استفاده از ظرفیت‌های آنهاست مقاوم‌تر از کشوری است که بدون عنایت به ظرفیت‌های داخلی و تعاملات بین‌المللی به فکر

توسعه و مقاوم‌سازی است. پرداختن به مقاوم‌سازی اقتصادی صرفاً به رویکرد انفعالی با روح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منافات دارد، ولی اگر مقاوم‌سازی اقتصادی به صورت فعال در نظر گرفته شود، می‌تواند تعبیر مناسب‌تری از اقتصاد مقاومتی باشد.

با چنین تعبیری از «اقتصاد مقاومتی»، این مفهوم به مفهوم «اقتصاد تاب‌آوری» بسیار نزدیک می‌شود که حجم قابل توجهی از ادبیات اقتصادی بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار را به خود اختصاص داده و به صورت فزاینده‌ای ادبیات آن در حال گسترش است. مفهوم متقابلی که می‌تواند در مقابل «تاب‌آوری اقتصادی» و به همین صورت، مقاوم‌سازی اقتصادی قرار گیرد، مفهوم «آسیب‌پذیری اقتصادی» است.

تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی

تاب‌آوری در چهار دهه گذشته به نحو وسیعی توسط رشته‌های گوناگون علمی به کار گرفته شده است. علاوه بر روان‌شناسی، کاربرد این واژه را می‌توان در علوم سیاسی، مدیریت بازرگانی، جامعه‌شناسی، تاریخ، مدیریت و برنامه‌ریزی بحران، برنامه‌ریزی شهری و توسعه بین‌الملل یافت. این استفاده مشترک هرگز به معنای یکسانی مفهوم یا پشتوانه نظری مربوطه به آن نیست. کاربردهای گوناگون، روش‌ها و روش‌شناسی‌های متفاوتی دارد (مارتین - برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۵). کاربرد این مفهوم، به‌ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸، در اقتصاد بیشتر شده است. به‌گونه‌ای که مجمع جهانی اقتصاد در پیوست سند گزارش مخاطرات جهانی ۲۰۱۳ خود، گزارش ویژه‌ای با عنوان «ایجاد تاب‌آوری ملی در برابر مخاطره‌های جهانی» منتشر کرده است (ریسک‌های جهانی ۲۰۱۳، ص ۳۶-۴۴).

مفهوم «تاب‌آوری» را می‌توان در سه چارچوب بررسی کرد: تاب‌آوری مهندسی (تاب‌آوری عرفی)، تاب‌آوری نظام‌ها، که در علم اقتصاد به «استحکام» معروف است و «تاب‌آوری در نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر».

تاب‌آوری مهندسی

در ساده‌ترین سطح، تاب‌آوری به معنای «بازگشت و بازیابی سریع پس از یک تنش یا فشار، تحمل تنش‌ها و فشارهای بزرگتر و آشفتگی کمتر در ازای مقدار مشخصی از تنش و فشار» است. «فشار یا تنش» در این تعریف می‌تواند به هر دو صورت سختی‌های مزمن و یا بحران‌های حاد و زود گذر باشد. به این مفهوم ساده، تاب‌آور بودن یعنی: مقاومت کردن در مقابل اختلالات بزرگ بدون تغییر، بدون از

هم پاشیدگی و یا بدون تحمل صدمه و خسارت همیشگی، بازگشت سریع به حالت عادی و تحمل کمترین انحراف در مواجهه با فشارها و تنش‌ها (مارتین-برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۶).

این تعبیر از «تاب‌آوری»، مفهومی است که بیشتر مردم از این واژه ادراک می‌کنند. اگر شخصی تاب‌آور باشد می‌تواند از یک شوک - مانند از دست دادن شغل - بازیابی شود. این نوع افراد به سرعت به وضعیت قبلی برمی‌گردند و شوک ایجاد شده آنچنان آنها را مختل نمی‌کند که اشخاص با تاب‌آوری کمتر را مختل می‌کند (همان).

چون نظام‌های مهندسی مانند پل‌ها، ساختمان‌ها و سایر زیرساخت‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند فشارها و تنش‌های بزرگ را تحمل کنند و پس از اتمام فشار و تنش مزبور به سرعت به وضع عادی خود بازگردند، از این نوع تاب‌آوری به «تاب‌آوری مهندسی» تعبیر شده است (هلینگ، ۲۰۰۹، ص ۵۱).

مهم‌ترین محدودیت این رویکرد «شرایط ترمیم» یا «بازگشت به وضعیت عادی» است. کودکانی که در شرایط فقر بر سختی‌ها و مشکلات فائق می‌آیند، پس از عبور از فقر، دیگر در وضعیت قبلی قرار ندارند، ولی همواره تاب‌آور تلقی می‌شوند (مارتین-برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۶).

تاب‌آوری نظام‌ها

تاب‌آوری در نظام‌ها به صورت حفظ کارکرد نظام در صورت وقوع یک اختلال تعریف می‌شود. هدف مدیریت در این روش، آن است که اطمینان حاصل کند که نظام‌های اندازه کوچک‌تر می‌توانند به کارکرد خود در طول بحران ادامه دهند. برای مثال نظام اقتصادی می‌تواند از یک شکست کوچک بازاری عبور کند و یا دولت می‌تواند با وقوع یک قطعی عمومی برق فعالیت نماید و یا زیرساخت‌ها همچنان می‌توانند در صورت وقوع یک حادثه فاجعه‌آمیز خدمات ضروری را ارائه دهند (مارتین-برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۷).

اما این تعریف هم محدودیت‌هایی دارد. اگر یک دولت در ایفای وظایف خود دچار اختلال گردد یا ناکارا عمل کند، به معنای آن است که جامعه تاب‌آور نیست؟ روشن است که جوامع می‌توانند نظام‌های جدیدی در پاسخ به بحران‌ها ایجاد نمایند. به عبارت دیگر، آنها می‌توانند خودسامان‌دهی کنند. این خودسامان‌دهی می‌تواند در هر سطحی انجام شود. نظام‌ها در مواجهه با بحران‌ها، دارای یک ظرفیت سازگارسازی هستند که به آنها این امکان را می‌دهد به کارکردهای خود در شرایط بحران نیز ادامه دهند (مارتین-برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۷). بنابراین، لازم نیست کارکردهای قبلی نظام حفظ

شود؛ چراکه نظام می‌تواند در مواجهه با بحران، کارکردهای جدیدی خلق نماید. چنین نظام‌هایی را «نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر» می‌گویند.

تاب‌آوری در نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر

عامل کلیدی که تاب‌آوری نظام‌ها را از تاب‌آوری در نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر متمایز می‌کند، همان ظرفیت سازگارسازی یا قابلیت سازگارشدن است. این ظرفیت صرفاً یک تعدیل و سازگار شدن (تغییر) نیست بلکه توانایی نظام‌ها (خانوار، مردم، اجتماعات، اکوسیستم‌ها و ملل) برای خلق راه‌های جدید به منظور ادامه فعالیت و روابط نظام‌مند جدید است. بنابراین، تاب‌آوری در فضای نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر، به صورت توانایی مقاومت، بازیابی و بازگشت و سازمان‌دهی مجدد در پاسخ به یک بحران تعریف می‌شود. کارکردها حفظ می‌شوند ولی ساختار نظام ممکن است تغییر کند (مارتین-برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۷).

ظرفیت سازگارسازی عامل اصلی تاب‌آوری در نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر است. «قابلیت تغییر کاربری» آن سوی سکه ظرفیت سازگارسازی است که به صورت قابلیت یک بخش از نظام پیچیده سازگاری‌پذیر برای پذیرش کارکرد جدید تعریف می‌شود (مارتین-برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۸).

تعریف «تاب‌آوری» با عنایت به اینکه هم شامل اشیا و هم شامل نظام‌هاست، بسیار سخت است، به‌ویژه اینکه تاب‌آوری بسته به موضوع و محل استفاده، معنا و مفهوم خاصی پیدا می‌کند. یک اجتماع محلی نسبت به جرم و جنایت تاب‌آور است. جوامع نوین امروزی نسبت به نوسانات اقتصاد بین‌الملل تاب‌آورند و نظام‌های جهانی نسبت به تغییرات آب و هوایی تاب‌آور هستند.

«تاب‌آوری» مفهوم روشن و واضحی در مهندسی و روان‌شناسی دارد، ولی در فضای بررسی‌ها و تحقیقات مربوط به نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر و یا علم اقتصاد، این وضوح و شفافیت را ندارد (مارتین-برین و اندریاس، ۲۰۱۱، ص ۴۷). بنابراین، با این مقدمه، تعبیر «تاب‌آوری مهندسی» صرف نمی‌تواند در خصوص تاب‌آوری اقتصادی به کار گرفته شود (همان، ص ۴۶). رصد این موضوع، که تاب‌آوری از چه زمانی وارد نظام‌های پیچیده سازگاری‌پذیر شده، کار دشواری است. ابتدا تاب‌آوری در اکولوژی به صورت واکنشی در مقابل مفهوم «ثبات» ظاهر شد (همان، ص ۳۶).

علاوه بر این، باید توجه داشت که تاب‌آوری قابل مشاهده نیست و یک ساختار و سازه نظری است؛ یک ویژگی ماهوی و ساختاری است که به نحوه واکنش فرد یا نظام به وقایع احتمالی آینده مربوط است (همان، ص ۲۶).

۱. اندازه و تناوب (فراوانی) شوک‌های برون‌زا، چه به صورت مشاهده شده (آسیب‌پذیری پسینی) یا پیش‌بینی شده (آسیب‌پذیری پیشینی)؛
 ۲. میزان قرار گرفتن در معرض شوک‌ها؛
 ۳. ظرفیت و قابلیت پاسخ به شوک‌ها یا تاب‌آوری.
- «تاب‌آوری» بیش از آنکه ساختاری باشد مربوط به سیاست‌های جاری است. البته می‌تواند عناصر ساختاری نیز در مولفه تاب‌آوری آسیب‌پذیری وجود داشته باشد (گویلامونت، ۲۰۱۰، ص ۸۳۱).
- تاب‌آوری به توانایی یک کشور آسیب‌پذیر از نظر اقتصادی برای تعامل و مدیریت تکان‌ها گفته می‌شود (اورمایر، ۲۰۱۲، ص ۱۳). بنابراین، «تاب‌آوری اقتصادی» به اقدامات سیاست‌گذاران و بازیگران اقتصادی اطلاق می‌شود که یک کشور را قادر می‌سازد در برابر اثرات منفی شوک‌ها مقاومت کرده، بازیابی گردد. همچنین اقداماتی که یک کشور را قادر می‌سازد از شوک‌های مثبت بهترین استفاده را ببرد، منجر به تاب‌آوری اقتصادی می‌شود (بریگوگلیو و دیگران، ۲۰۰۹، ص ۲۳۱).
- به عبارت دیگر، تاب‌آوری اقتصادی قدرت سیاست‌گذاری و اجرای آن در یک اقتصاد برای مقاومت و بازگشت از اثرات منفی یا تعدیل اثرات منفی شوک‌های برون‌زای نامساعد و بهره‌برداری و استفاده از شوک‌های مثبت است. همان‌گونه که در تعریف نیز آمده است، تاب‌آوری شامل اولاً، مقاومت و استحکام (و یا تعدیل) در مقابل شوک‌ها، و ثانیاً، بازگشت و بازیابی از آن شوک‌هاست.
- نکته حایز اهمیت دیگر تفاوت بین «آسیب‌پذیری ساختاری» و «آسیب‌پذیری ناشی از سیاست‌گذاری» است. آسیب‌پذیری ساختاری نتیجه عواملی است که از خواست و اراده سیاست‌گذاری موجود یک کشور مستقل است. آسیب‌پذیری ناشی از سیاست‌گذاری، حاصل انتخاب‌های قبلی سیاست‌گذاران است. برای نمونه، آسیب‌پذیری کشورهای آسیایی در اواسط دهه ۱۹۹۰ پس از بحران ۱۹۹۷، بسیار متفاوت از آسیب‌پذیری اقتصادهای کوچک یا آن دسته از جزایر کوچک است که مواد اولیه صادر می‌کنند. آسیب‌پذیری کشورهای آسیایی کمتر ساختاری و بیشتر بر اثر سیاست‌گذاری بود و از این‌رو، زودگذرتر بود (گویلامونت، ۲۰۱۰، ص ۸۳۲).
- هرچند در ادبیات رایج اقتصادی منظور از «آسیب‌پذیری» همان «آسیب‌پذیری ساختاری» است، ولی این تفکیک می‌تواند مفید باشد. از این‌رو، می‌توان نگاه مشابهی نیز به تاب‌آوری اقتصادی داشت و آن را نیز به دو گونه دسته‌بندی نمود: «تاب‌آوری ذاتی» و «تاب‌آوری اکتسابی» آنچه به «تاب‌آوری ذاتی» تعبیر می‌شود قابلیت‌های ساختاری و طبیعی اقتصادهاست که به نوعی، مشابه آسیب‌پذیری ساختاری

- برای درک بهتر مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی»، توجه به مفهوم «آسیب‌پذیری اقتصادی» راهگشا است. آسیب‌پذیری می‌تواند به صورت «احتمال خسارت یا ضرر در اثر عوامل خارجی» تعریف شود (بریگوگلیو، ۲۰۰۳، ص ۲). بیشتر مطالعات درخصوص آسیب‌پذیری اقتصادی، شواهد عینی از اقتصادهای کوچک و به‌ویژه از کشورهای جزیره‌ای ارائه می‌کنند که دارای درجه بالای باز بودن اقتصادی و تمرکز بر صادرات هستند که این ویژگی موجب می‌شود آنها در معرض شوک‌های برون‌زا، یعنی آسیب‌پذیری اقتصادی قرارگیرند که می‌تواند از طریق افزایش عامل ریسک در فرایند رشد، موجب فقدان مزیتی برای توسعه اقتصادی آنها باشد.
- آسیب‌پذیری اقتصادی یک کشور می‌تواند به صورت ریسک یک کشور در مواجهه با شوک‌های خارجی و طبیعی تعریف شود که موجب اختلال و مانع توسعه آن کشور می‌شود. در این تعریف، دو نوع شوک عمده برون‌زا و دو منبع اصلی آسیب‌پذیری لحاظ شده است:
۱. شوک‌های محیط زیستی یا طبیعی؛ مانند زمین لرزه‌ها یا فوران آتش‌فشان‌ها و شوک‌های اقلیمی مکرر.
 ۲. شوک‌های خارجی (شوک‌های مربوط به تجارت و نرخ ارز)؛ مانند کاهش تقاضای خارجی، بی‌ثباتی قیمت‌های جهانی، تغییرات بین‌المللی نرخ‌های بهره (گویلامونت، ۲۰۱۰، ص ۸۳۰).
- «آسیب‌پذیری اقتصادی» به شرایط ذاتی اطلاق می‌شود که میزان قرارگرفتن کشور در معرض شوک‌های برون‌زا را متأثر می‌کند (بریگوگلیو و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۲۳۱)؛ متأثر از متون اقتصاد رایج در خصوص آسیب‌پذیری اقتصادی. بریگوگلیو (۲۰۰۴) نیز این مفهوم را در کشورهای کوچک و جزیره‌ای در حال توسعه بررسی نموده و این تعریف را ارائه نموده است و آن‌را شامل موارد ذیل می‌داند:
۱. درجه بالای باز بودن اقتصادی در مقایسه با سایر کشورها؛
 ۲. وابستگی به صادرات دامنه محدودی از کالاها (محدودیت متنوع سازی)؛
 ۳. وابستگی به واردات راهبردی، به‌ویژه انرژی و کالاهای صنعتی با محدودیت در امکانات جای‌گزینی واردات؛
 - ۴- انزوا، جزیره بودن و دست‌رسی نداشتن و هزینه‌های حمل و نقل متناظر آن و خروج از مرکزیت و کاهش اهمیت (اورمایر، ۲۰۱۲، ص ۱۲).
- آسیب‌پذیری می‌تواند به عنوان نتیجه سه مؤلفه ذیل در نظر گرفته شود:

است و چندان قابل مدیریت نیست. برخلاف آن، تاب‌آوری اکتسابی با توسعه و دقت در سیاست‌گذاری‌ها و ابزارهای سیاست‌گذاری قابل افزایش و توسعه است.

نسبت اقتصاد مقاومتی با آسیب‌پذیری و تاب‌آوری

نقد و بررسی تعابیر گوناگون از اقتصاد مقاومتی روشن ساخت که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی برای مقاوم‌سازی به معنای فعالانه آن است. در این تعبیر، منظور از «اقتصاد مقاومتی» صرفاً مقاوم‌سازی نقاط آسیب‌پذیر اقتصادی و با تأکید بر جنگ اقتصادی و یا مقابله با تهدیدهای خارجی و به‌ویژه دشمنان جمهوری اسلامی ایران نیست. اقتصاد مقاومتی به این معنا، دارای دو جنبه است: کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری.

برنامه‌ریزی در جهت کاهش آسیب‌پذیری، که علاوه بر نقش اصیل خود، با تأثیر بر تاب‌آوری و افزایش آن شکل فعالانه‌تری به خود می‌گیرد و همچنین تلاش برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد کشور می‌تواند منجر به اقتصادی مقاوم در کشور شود. نمونه بارز برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌پذیری می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های ناظر بر کاهش وابستگی بودجه عمومی و مخارج دولت به درآمدهای نفتی تبلور یابد. تاب‌آوری به عنوان جنبه دیگر اقتصاد مقاومتی به صورت قابلیت‌های اقتصادی در شناسایی، ایجاد ظرفیت‌های بهره‌برداری و خلق راهبردهای بهره‌برداری متبلور می‌شود. در واقع، تاب‌آوری قابلیت نظام اقتصادی در مواجهه با اختلالات و تغییرات منفی است، به گونه‌ای که اولاً، بتواند آنها را پیش‌بینی نماید. ثانیاً، ظرفیت لازم برای استفاده از جنبه‌های مثبت آنها را داشته باشد و در صورت نداشتن ایجاد نماید. ثالثاً، راهبردهایی خلق کند که بتواند حداکثر بهره‌مندی از تغییرات را ببرد. با چنین قابلیت، نظام اقتصادی نظامی تاب‌آور خواهد بود و خواهد توانست در صورت مواجهه با شوک‌های منفی، به راحتی از عهده حل تحمل برآید.

همان‌گونه که اشاره شد، لازم نیست اقتصادی که تاب‌آور است، بتواند دقیقاً کارکردهای قبلی خود و به‌ویژه مشابه آنچه را قبلاً انجام می‌داده است، انجام دهد. ممکن است بر اثر تغییرات ایجاد شده، نظام کارکردهای جدیدی برای خود ایجاد نموده، از این رهگذر، کارآمدی بالاتری نیز کسب کند. آنچه مهم است اینکه اقتصاد تاب‌آور توان مدیریت تغییرات مثبت و منفی را دارد و می‌تواند از آنها در جهت اهداف خود بهره‌برداری کند.

از این رو، می‌توان اقتصاد مقاومتی را به صورت راهبردی تعریف نمود که به دنبال کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری است. به عبارت دیگر، نتیجه اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است

که علاوه بر آسیب‌پذیری پایین - به‌ویژه آسیب‌پذیری ناشی از سیاست‌گذاری - قابلیت جذب، مدیریت و بهره‌برداری از شوک‌های مثبت و منفی ایجاد شده بر اثر تحولات را دارد. روشن است که با این تعبیر مفهوم، کلام مقام معظم رهبری، که می‌فرماید «ما امروز در شرایط شعب‌ای طالب نیستیم، ما در شرایط بدر و خبیریم» واضح‌تر می‌شود. این کلام به این معناست که اقتصاد باید شرایط ایجاد شده و به طور کلی، تغییر در هر جهت، اعم از مثبت و منفی را به صورت یک فرصت برای خلق و ایجاد کارکرد مفید و مؤثر جدید در نظر گیرد.

نتیجه‌گیری

در چند سال اخیر، اصطلاح جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه شده است. این اصطلاح اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. ایشان با تکیه بر دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش»، «اقتصاد مقاومتی» را به معنا و مفهوم «کارآفرینی» معرفی نمودند. سپس ایشان در مرداد سال ۱۳۹۱ مولفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را بر اساس «رونق تولید و اشتغال»، «رشد اقتصادی و رفاه»، «مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر»، «استفاده از تولیدات داخلی»، «مردمی کردن اقتصاد»، «کاهش وابستگی به نفت»، «فشار اقتصادی دشمن بر کشور»، «تأکید بر اقتصاد دانش‌بنیان»، تبیین کردند. در ماه بعد نیز اقتصاد مقاومتی را «داشتن اقتصادی رو به رشد با آسیب‌پذیری کمتر در مقابل ترندهای دشمن» معنا و معرفی نموده، مواردی همچون «حمایت از بخش خصوصی»، «حمایت از تولید ملی و بخش درون‌زای اقتصاد»، «رسیدگی به اقتصاد دانش‌بنیان»، «فعال کردن واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی»، «استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی» را به‌عنوان ارکان اقتصاد مقاومتی معرفی کردند.

مقام معظم رهبری در آغاز سال ۱۳۹۲، هدف از مطرح کردن اقتصاد مقاومتی را «استحکام بخشیدن به کشور و غیرقابل نفوذ ساختن آن در برابر دشمن»، «مقاوم در ساخت درونی خود»، و «متلاطم نشدن با تغییرات گوناگون در این گوشه و آن گوشه دنیا» دانستند. همچنین «انتخاب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان سیاست‌های اقتصاد» را به‌عنوان یکی از الزامات اقتصاد مقاومتی مطرح نمودند. در شهریور سال ۱۳۹۲ نیز بر «مقاوم بودن در مقابل بحران‌ها و جزروندهای بین‌المللی» به‌عنوان محور اقتصاد مقاومتی تأکید کردند. در ادامه روند مزبور، در اواخر بهمن سال ۱۳۹۲ نیز به‌صورت جامع و دقیق، سیاست‌های کلان بیست‌و‌چهار گانه اقتصاد مقاومتی را ابلاغ نمودند.

منابع

- ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰، در: khamenei.ir
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۳)، سخنرانی در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱، در: khamenei.ir
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۳)، سخنرانی در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، در: khamenei.ir
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۳)، سخنرانی در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹، در: khamenei.ir
- ترابزاده جهرمی، محمدصادق و دیگران، (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۶.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین، ۱۳۹۲، «اقتصاد مقاومتی؛ راه‌کاری برای توسعه»، *مشکوه*، ش ۱۱۸، ص ۱۳۸-۱۵۹.
- سیف، اله‌مراد، ۱۳۹۱، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *آفاق امنیت*، ش ۱۶، ص ۵-۲۲.
- سیف‌لو، سجاد، ۱۳۹۳، «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی»، *سیاست دفاعی*، ش ۸۷، ص ۵۳-۸۸.
- علوی، سیداسحاق، بی‌تا، *کلیات علم اقتصاد*، بی‌جا، بی‌نا.
- فرکلاف، نورمن، ۱۳۷۹، *تحلیل انتقادی گفت‌وگو*، ترجمه پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- میرمعزی، سیدحسن، ۱۳۹۱، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۷، ص ۴۹-۷۶.
- هولستی، ال‌آر، ۱۳۷۳، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- Briguglio, L, 2003, "The Vulnerability Index and Small Island Developing States: A Review of Conceptual and Methodological Issues", paper prepared for the AIMS Regional Preparatory Meeting on the BPoA+10 Review.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N. and Vella, S, 2006, "Conceptualising and Measuring Economic Resilience." In Briguglio, L., Cordina, G., and Kisanga E.J. (eds) Building the Economic Resilience of Small States, Malta: Islands and Small States Institute and London: Commonwealth Secretariat, P 265-287.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N. and Vella, S, 2008, "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements", *Research Paper*, No. 2008/55, UNU-WIDER.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N. and Vella, S, 2009, "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements", *oxford development studies*, 37, issue 3, P 229-247.
- Briguglio, Lino, and Stephen Piccinino, "Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2009 Global Recession", Available at: http://www.um.edu.mt/_data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5Dec2011.pdf

در جریان این تطور مفهومی، اظهار نظرهای گوناگونی در خصوص مفهوم «اقتصاد مقاومتی» در محافل علمی و دانشگاهی و همچنین نشست‌های علمی، اجتماعی و سیاسی صورت گرفت. صاحب‌نظران و متفکران حوزه علوم انسانی از منظرهای گوناگون، در این باره مذاقه کردند و مفهوم خاصی از آن را ارائه نمودند. عده‌ای بر اساس گرایش‌های سیاسی و عقیدتی نیز در این عرصه علمی مشارکت داشتند و تلاش نمودند سهام‌دار مفهوم‌شناسی «اقتصاد مقاومتی» باشند.

حاصل این تحقیق آن است که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی است که اولاً، به معنای مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون‌گرا و اقتصاد ریاضتی نیست، و ثانیاً، یک راهبرد مقطعی و کوتاه مدت نیست، بلکه راهبردی کلان و بلند مدت است که قرار است اقتصاد کشور بر آن تکیه کند. ثالثاً، این راهبرد مقاوم‌سازی به معنی انفعالی و کوتاه مدت اقتصاد نیز نیست. این راهبرد زمانی مترادف مقاوم‌سازی اقتصادی است که مقاوم‌سازی اقتصادی از مفهوم انفعالی خود فراتر رفته و ابعاد دیگری شامل اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات بین‌المللی و سایر مولفه‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری را نیز در برگیرد.

تفاوت تعبیر «مقاوم‌سازی انفعالی» با برداشت دوم همانند مثل دو نفر است که اولی برای سلامتی و تن‌درستی خود ورزش می‌کند، بهداشت را رعایت می‌کند، رژیم مناسب غذایی و سایر اقدامات را انجام می‌دهد و حتی هنگام ابتلا به بیماری و به صورت دوره‌ای به پزشک مراجعه می‌کند، و دومی بدون توجه به زیرساخت‌های اولی حداکثر در موقع بیماری به پزشک مراجعه کرده، رعایت بهداشت و مراقبت‌ها را در آن زمان انجام می‌دهد. روشن است که آسیب‌پذیری دومی بیش از اولی و تاب‌آوری اولی بیش از دومی است.

در خصوص کشورها نیز به صورت مشابه می‌توان قضاوت کرد. کشوری که ظرفیت و توان داخلی خود را به کار گرفته و به صورت درون‌زا توسعه خود را تعریف نموده است و همواره در تعامل با دنیا و سایر کشورها، به دنبال استفاده از ظرفیت‌های آنهاست، مقاوم‌تر از کشوری است که بدون عنایت به ظرفیت‌های داخلی و تعاملات بین‌المللی، به فکر توسعه و مقاوم‌سازی است. پرداختن به مقاوم‌سازی اقتصادی صرفاً با رویکرد انفعالی با روح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منافات دارد، ولی اگر مقاوم‌سازی اقتصادی به صورت فعال در نظر گرفته شود می‌تواند تعبیر مناسب‌تری از اقتصاد مقاومتی باشد.

با چنین تعبیری از اقتصاد مقاومتی، این مفهوم شامل دو جنبه کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری است. به نظر می‌رسد پیرو ادبیات تولید شده در این خصوص، اولین کار فراهم کردن شاخص‌ها و معیارهایی برای سنجش و طبیعتاً ارتقای تاب‌آوری اقتصادی است که در ادبیات اقتصادی به طور خاص برای کشورهای کوچک و جزیره‌ای در حال توسعه صورت گرفته است.

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalRisks_Report_2013.pdf

Guillaumont, P, 2010, "Assessing the Economic Vulnerability of Small Island Developing States and the Least Developed Countries", *The Journal of Development Studies*, 46, issue 5, P 828-854.

Holling, C, 2009, Engineering resilience versus ecological resilience. *Foundations of Ecological Resilience*.

Martin-Breen, P. & Anderies, and J.M, 2011, "Resilience: A Literature Review", *Rockefeller Foundation*, <http://www.rockefellerfoundation.org/news/publications/resilience-literature-review>.

Overmyer, K, 2012, *Economic Vulnerability and Resilience: lesson from eastern Caribbean small island*, thesis submitted to MA in public Policy, Central European University, Department of Public Policy.

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8607010571>, 86/07/02 - 15: 30